

بسم الله الرحمن الرحيم

مرامنامه شورای اساتید مدرسه علمیة محمودیة کرمان

پیش‌گفتار :

بیش از هزار سال، حوزه‌های علمیة و علماء متعهد اسلام، با مجاهده و اخلاص خود، میراث نجات- بخش دین و منابع آن را با وجود تمام سختی‌ها، محافظت کرده و از میان امواج سهمگین دشمنی‌ها و لجاجت‌ها عبور داده و به دست ما رساندند؛ زحمات باورنکردنی در مسیر تفسیر منابع دین و رشد علوم دینی متحمل شدند؛ عمری در راه خدا به مجاهده‌ی با نفس و ارشاد مردم پرداختند به طوری که روحانیت در بین مردم از جایگاه مقدسی برخوردار و ملجأ و مرجع آنها شدند.

اما در این مدت، عدم اجرای دین در سطح جامعه و در سطح حاکمیت و تصمیم‌گیری‌های کلان جامعه و قوانین اداره‌ی زندگی مردم، باعث تعطیلی بیشتر احکام دین و در نتیجه، محرومیت بشر از سعادت و عدالت شد.

ولی این سعادت عظیم نصیب ما شد که در زمان ما این آرزوی همیشگی دینداران برآورده شده و در گوشه‌ای از جهان، یک حاکمیت اصیل دینی محقق شود تا انشاء الله با گسترش کمی و کیفی آن، مردم طعم عدالت و زندگی موحدانه را بچشند.

حالا این فرصت الهی، بار مسؤولیت حوزه‌ها و روحانیت را چند برابر کرده و انتظار مردم را از آنها بالا برده است اما متأسفانه حوزه و روحانیت مقداری از قافله‌ی سرعت و پیشرفت بشر امروز عقب ماند و به خوبی نتوانست رسالت یاری حکومت دینی را به انجام برساند؛ البته امروز حرکت‌های خوب و امیدوار کننده‌ای در گوشه و کنار حوزه‌ها به چشم می‌خورد و ایمان و امید داریم که انشاء الله این تلاش‌ها هر روز بیشتر و عمیق‌تر شود اما در این بین ما اساتید حوزه علمیة کرمان نیز قصد داریم با تلاش مضاعف و جمعی خود یار این قافله باشیم و به اندازه توان و دارائی‌های خود بر سرعت آن بیفزائیم، امید که بتوانیم موجبات رضایت هر چه بیشتر امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و تعجیل فرج شریفش را فراهم نمائیم.

هدف شورا:

استفاده از ظرفیت‌های کار جمعی در جهت سرعت بخشی به حرکت حوزه‌های علمیه و روحانیت به سمت تراز انقلاب اسلامی

سیاست‌ها:

- 1- کمک و یاری طلاب در تمام جنبه‌های لازم در حدّ وسع
- 2- جبران مشکلات و نواقص نظام تعلیم و تربیت فعلی حوزه در حدّ توان
- 3- حرکت در مسیر کادرسازی برای انواع نیازهای انقلاب اسلامی مخصوصاً حوزه علمیه
- 4- جهت دهی فعالیت‌ها به سمت اهداف منطقه‌ای، کشوری و بین‌المللی انقلاب اسلامی
- 5- ایجاد ارتباط قوی‌تر و مؤثرتر بین حوزه و جامعه و حاکمیت
- 6- ارائه ابتکارات، راهکارها و طرح‌ها به مسئولین و برنامه ریزان جهت کمک به تحول حوزه

اصول کاری:

- 1- نگاه توحیدی به همه امور به صورتی که باور قلبی این باشد که هیچ امری جز به اراده خداوند Z محقق نخواهد شد و ما وسیله‌ای بیش نیستیم و برای جلب توفیقات الهی لحظه به لحظه محتاج عنایات اهل بیت = و توسل به این ذوات شریفه هستیم.
- 2- تلاش مداوم، امیدوارانه، هدفمند و مؤثر در راه رسیدن به اهداف مجمع در سایه روحیه جهادی و انقلابی همراه با بصیرت و آگاهی
- 3- انجام به موقع کارها و دوری از تسویف‌ها و تاخیرهای بی مورد
- 4- صبر و حوصله لازم همراه با حساب و تدبیر برای نیل به اهداف و نتایج و اجتناب از شتاب زدگی و کوتاه بینی
- 5- تعهد و وفاداری نسبت به گروه، اهداف و مسئولیت‌های محوله و دوری از خود خواهی و خودسری و تکروی
- 6- خویشتن داری، رازداری و تحفظ در موارد مقتضی
- 7- حفظ حرمت و احترام بزرگان و اشخاص و حریم قوانین
- 8- اعتقاد به جوانان امروز و باور و اعتماد به تواناییهای آنها
- 9- حفظ استقلال فکری و عملی افراد در چارچوبه نظام دینی به این معنا که ناخودآگاه به نیت کادرسازی مانع بروز استعدادها و ذوب آنها در افکار و سلیقه‌های خود نشویم

- 10- توجه به ضعف‌ها و نقصان‌های خود تا اولاً بیش از توانائی‌ها و دارائی‌ها از خود توقع نداشته باشیم و ثانیاً از انتقادها دچار انفعال و ناامیدی نشویم
- 11- توجه به رشد و پیشرفت علمی و اخلاقی خودمان به طوری که اجازه ندهیم مشغله‌ها و برنامه‌ها و اهدافمان باعث غفلت از خودمان شود
- 12- توسعه کمی و ارتقاء کیفی مداوم فعالیت‌ها و برنامه‌ها
- تبصره: همیشه راه برای ایجاد تغییرات لازم در مصوبات، برنامه‌ها و اهداف با نظر جمع وجود دارد.

جهت حرکت و آغاز فعالیت

قرار شد جهت و آغاز حرکت در مسیر کمک به برطرف کردن مبنائی‌ترین مشکلات طلاب به عنوان مهم‌ترین اولویت کاری قرار گیرد بنابراین در بحث و بررسی‌های مجمع مبنائی‌ترین مشکلات طلاب موارد زیر تشخیص داده شد:

- 1- عدم رشد متوازن و متناسب با نیازها
 - 2- ضعف انگیزه، بی‌حوصلگی و سستی در هر دو امر تحصیل و تهذیب
 - 3- نواقص نظام حوزه و دست و پاگیری بعضی برنامه‌های آن
 - 4- ضعف اساتید
 - 5- مشکلات اقتصادی و آینده شغلی
 - 6- خانواده
- البته بدیهی است که این مشکلات در یکدیگر تداخل داشته و عموماً علت و معلول یکدیگرند مثلاً یکی از عوامل مهم عدم رشد متناسب طلاب، نواقص نظام فعلی حوزه است و این دو خود دو عامل اساسی در بی‌انگیزگی طلاب هستند، ضعف اساتید نیز امروز خود یک بحرانی است که علاوه بر دامن زدن به هر سه مشکل تبعات دیگری را نیز به دنبال آورده است پس به خوبی واضح است که نمی‌توان برای برطرف کردن یک مشکل فقط همان را دید بلکه باید تمام مشکلات در یک منظومه منسجم دیده شوند و برای مقابله با آن منظومه، منظومه راهکارها را به میدان آورد و در مقام عمل نیز طبق اولویت‌ها و تاکیداتی که منظومه نشان می‌دهد حرکت کرد.

با توجه به این مهم به نظر می‌رسد سرنخی که ان شاء الله ما را به یک طرح جامع و متوازن برای حل بسیاری از مشکلات و نیل به بسیاری از اهداف می‌رساند پاسخ به این سؤال است که «چه چیزهایی مانع رشد طلبه ما تا سطح قابل قبول انقلاب اسلامی شده است؟» قبل از پاسخ به این سؤال باید جواب این پرسش معلوم شود که اصلاً «طلبه مطلوب انقلاب اسلامی چه حداقل‌هایی را باید داشته باشد؟ و تعریف

چنین طلبه‌ای چیست؟» چون تا قله معلوم نباشد موانع و راه‌های رسیدن به قله هم معلوم نخواهد شد البته پر واضح است که نامعلوم بودن قله خود مهم‌ترین مانع رسیدن به آن است.

طلبه تراز انقلاب اسلامی کیست؟

آنچه ما از مجموع شواهد دینی و تبیین آنها توسط دو امام بزرگوار انقلاب برای تعریف طلبه دریافتیم که البته عقلانیت انقلابی نیز آن را تأیید می‌کند، این است:

طلبه مطلوب، اسلام‌شناس مهذب و بصیری است با فکر و روحیه انقلابی که مثل طیبی دوار لحظه‌ای از تلاش برای درمان بیماری‌های جامعه بشری در هر سطح و مکانی که نیاز باشد و بتواند کوتاهی نمی‌کند، او از جهت فکری عالی‌ترین رسالت روحانیت را امامت در جامعه مسلمین می‌داند اما از جنبه عملی همیشه مشغولیت اصلی خود را تکلیفی قرار می‌دهد که طبق موازین صحیح تشخیص داده است و هدف نهائیش برافراشتن پرچم توحید در سرتاسر کره خاکی تا قبل از ظهور امام زمان (ع) و فراهم نمودن اسباب تعجیل ظهور است.

حالا این مطلوبیت سطوح بسیار زیاد و متنوعی می‌تواند داشته باشد که هر طلبه‌ای مکلف است آن سطحی را که متناسب با استعدادها و شرائط زندگی خودش است کسب نماید مثلاً اسلام‌شناسی می‌تواند تقلیدی باشد یا اجتهادی، کسی که استعداد و شرائطش برای اجتهاد فراهم نیست اگر خود را در این مسیر قرار دهد بر خلاف تکلیف عمل کرده و در مقابل طلبه‌ای که توان اجتهاد را دارد اگر برای دستیابی به آن کوتاهی کند او هم بر خلاف تکلیفش عمل کرده است اما قطعاً اسلام‌شناسی شرط لازم طلبگی هر دو است و یا امامت می‌تواند در سطوح اجتماع یا سازمان‌های آن مطرح شود، در سطوح اجتماعی امام محله و روستا یا امام جمعه و یا امام جامعه مسلمین قابل طرح است و...

آنچه که مهم است این است که یکی یکی مؤلفه‌های به کار رفته در این تعریف را توضیح دهیم تا دقیقاً جهت حرکت و فعالیت‌ها معلوم شود و بدانیم که با این برنامه‌ها چه موجودی را می‌خواهیم بسازیم.

منظور ما از اسلام‌شناسی همان چیزی است که در حضرت امام: و حضرت آقا و امثال شهید مطهری و شهید بهشتی تبلور یافت یعنی پی بردن به مرام و مقاصد اصلی اسلام که اعظم آنها تشکیل حکومت اسلامی و در رأس قرار گرفتن ولی فقیه و مبارزه دائمی با کفار است، اسلام‌شناسی یعنی رسیدن به شناختی جامع و کلی از همه تعالیم و مقاصد اسلام نه نگاه بخشی به دین، یعنی فهم عمیق و درست ارزش‌های دینی، یعنی درک نسبت بین اجزای دین، یعنی شناخت اولویتهای مهم و مهم‌ها و تشخیص آنها در شرائط سخت و پیچیده، یعنی اعتقاد و باور به سبک زندگی و حیات اسلامی و پیاده کردن آن در زندگی شخصی. بنابراین گاهی شخصی اطلاعات دینی فراوانی دارد اما این لزوماً به معنای اسلام‌شناسی نیست و در نقطه مقابل ممکن

است فردی از تمام جزئیات مسائل دین آگاه نباشد اما به یک نگاه وسیع، عمیق، همه جانبه و کلان از دین دست یافته و همین سینه او را برای پذیرش هر دستوری که بداند از جانب دین است گشاده کرده است و با کمال عشق آن را پذیرفته و در صدد عمل کردن به آن برمی آید. منظور ما از اسلام شناسی چیزی است که اگر شخص به آن دست یابد با تمام وجود، ناصر و پشتیبان ولی می شود و به عمق اهداف ولی پی می برد و هیچ یک از خواسته ها و سیاست های او را در تضاد با دین نمی بیند، یک اسلام شناس جنبه فردی و اجتماعی اسلام را با هم می بیند و از هیچ یک غفلت نمی کند، خلاصه او به منطق فکری اسلام پی برده است و به تمام مسائل در یک چارچوبه و نظام فکری دینی نگاه می کند و با دستیابی به این منطق هرگز بین دستورات اسلام تضاد و تعارضی احساس نمی کند.

طلبه مہذب را ما طلبه ای میدانیم که در سه بخش ذیل دارای ویژگی های نامبرده باشد:

اخلاقی: شجاع؛ در مقابل پذیرفتن خطا، برای ابراز عقائد و بیان حق، در مقابل تهدیدها، انتقادات و تمسخرها، در برابر ترس های موهوم؛ فداکار و ایثارگر؛ دلسوز و دوستدار خلق؛ ولایت پذیر و متعبد؛ دارای روحیه جهادی؛ دارای روحیه انقلابی و غیرت دینی و ملی؛ اهل گذشت و صبر؛ دور اندیش و به دور از سطحی نگری

رفتاری: منظم و قاعده مند و با برنامه؛ ملتفت و مراقب نه سر به هوا و بی تفاوت؛ اهل جمع و کار جمعی؛ مانوس با تنهایی و خلوت؛ کنجکاو و پرسشگر؛ خاضع و خاشع در مقابل بزرگتر؛ مؤدب به آداب اسلامی؛ اهل نشاط و جنب و جوش؛ خوش زبان و خوشرو؛ اهل کار و زحمت نه راحت طلبی؛ سادگی و ساده زیستی؛ زیبا پسند و خوش پوش و تمیز؛ به دور از وسواس و افراط

معنوی: اهل نماز اول وقت؛ اهل جماعت و مسجد و جمعه؛ اهل سحر و بیداری؛ اهل توجه و حضور؛ اهل عبادت و توسل؛ اهل ترک لذات و مجاهده با نفس؛ اهل اخلاص و نیت پاک؛ اهل مراقبه و محاسبه؛ اهل اهتمام به واجبات و حقوق

طلبه انقلابی چنانچه از منطق امام خامنه ای حفظه الله برمی آید دارای خصوصیات ذیل است:

0 ولایت مدار و معتقد و پایبند به اصل انقلاب و شعارها و اهداف آن

0 اهل جهاد و مبارزه در هر جبهه ای که تکلیف الهی اقتضا کند

0 ژرف اندیش، آینده نگر، دارای همت و اهداف بلند و امیدوار به آینده

0 اهل معنویت، اخلاق و اخلاص در عمل

0 دارای سرعت عمل و ابتکار

طیب دوار را ما کسی میدانیم که با تأسی به پیامبران و اهل بیت I در هر سمت و جایگاهی که هست رسالت اصلی خود را که همان ارشاد و موعظه و دستگیری از خلق خداست فراموش نمی‌کند، او به انتظار مراجعه مردم و یا حاکمیت نمیشیند بلکه با حضورش در بین مردم و در مناسبات حکومتی سعی در شناخت مشکلات و راهنمایی آنها دارد، به سؤال‌ها و درخواست‌ها با صبر و حوصله و جدیت جواب می‌دهد و خلاصه مثل یک طیب قدم به قدم بیمار خود را در طی مراحل درمان همراهی می‌کند.

و اما **امامت** را به نظر ما اسلام دارد فریاد می‌زند که اصلی‌ترین، مهم‌ترین و مؤثرترین کارکرد روحانیت همین است چیزی که در روز غدیر مایهٔ اکمال دین و اتمام نعمت شمرده شد اما امروز کمتر طلبه‌ای به آن توجه دارد تا چه رسد که بخواهد آن را غایت آمال خود قرار دهد بنابراین ما به تبعیت از آموزه‌های اسلام و دو امام انقلابمان معتقدیم گذشته از نیازمندی‌های مختلفی که جامعه و نظام اسلامی پیدا کرده و حوزه باید آنها را برطرف نماید، مهم‌ترین رسالتی که به دوش روحانیت گذاشته شده امامت در جامعهٔ مسلمین در سه سطح امامت جامعه، امامت جمعه و امامت محله و روستا است.

بله با تعریفی که امروز از امامت جماعت و حتی جمعه در ذهن‌ها جاگرفته، این یک کار پیش پا افتاده‌ای است که نه علم و تقوای زیادی نیاز دارد و نه اجازه نامه و مهارتی، هر طلبه‌ای بعد از دو سه سال درس خواندن می‌تواند عبائی به دوش انداخته و در مسجد اقامه‌ی نماز کند که حتی گاهی دیگران هم می‌توانند در نبود او این کار را انجام دهند؛ البته در یک نگاه مترقی‌تر، امامت جماعت رسالت مهم‌تری است که طبق آن، امام جماعت علاوه بر اقامه‌ی نماز و امور عبادی، باید به امر تربیت مردم خصوصاً جوان‌ها نیز بپردازد، مشکلات آنها را بشنود و برای رفعشان تلاش کند، امور فرهنگی را مدیریت کند و خلاصه برای بهبود امور دینی مردم برنامه داشته باشد؛ بله این نگاه به جایگاه امام جماعت، خیلی امیدوار کننده‌تر است اما هنوز با آن شأن رفیع امام جماعت که مد نظر اسلام است فاصله‌ی زیادی دارد؛ در این برداشت، نهایتاً او امام یک مسجد فعال است نه امام امت و جماعت محله، امامی که اسلام می‌خواهد در یک محله منصوب کند باید تمام شئون زندگی اجتماعی مردم محله زیر نظر او مدیریت شود نه فقط امور عبادی و تربیتی مردم، که در اینصورت مردم واقعاً امت و او واقعاً امام و مسجد پایگاه و مقر مدیریت و راهبری محله و مراجعات امت است به طوری که مردم با افتخار خود را امت او می‌دانند و مثل پروانه به دور او می‌گردند و با جان و دل تمام امور زندگی خود را با او و با تدابیر او تنظیم می‌کنند.¹

1- بدیهی است که طبق سلسله مراتب جامعه، امامت هم مراتب پیدا می‌کند، در رأس همه، امام کل است که در هر زمان یک نفر بیشتر نیست و توسط خداوند منصوب شده و معصوم است (که البته در زمان غیبت، نائب او این سمت را به عهده دارد که همانا شبیه‌ترین مردم به اوست)؛ او عقل کل است، او مجمع تمام خوبی‌هاست، او مرکز جذب دل‌هاست، او کسی است که امت با شناخت او، همگی یک‌صدا مطیعش می‌شوند و یک‌دل

با این اوصاف، یکی از مهم‌ترین رسالت‌های روحانیت، امامت است پس یکی از بزرگترین اهداف حوزه‌های علمیه نیز باید تربیت امام برای سطوح مختلف جامعه و بسط و گسترش نظام امت و امامت و انسجام بخشی به آن باشد تا در ذیل این مترقی‌ترین سازمان اداره اجتماع بشری، سعادت دنیوی انسان به ظهور برسد.

تکلیف‌مداری ویژگی بعدی طلبه مطلوب است که به این معناست که یک طلبه موفق همیشه برای انتخاب‌های خود این سیر را مد نظر می‌گیرد: اول اینکه چه چیزهایی دارد و طبق آنها توان انجام چه کارهایی را پیدا کرده است و از بین کارهایی که توانشان را دارد آنهایی که لازم‌ترینند کدامند و از میان اینها آن کارهایی

دلداده‌اش و یک‌سر فدائیش؛ اینچنین است که کثرت انسان‌ها به وحدت می‌رسد و همه تحقق کلمه‌ی توحید را بر روی کره‌ی زمین و در عالم مشاهده می‌نمایند، آنگاه است که بهشت زمینی، خود را عیان می‌کند و مؤمنین به سعادت دنیائی خود نائل می‌گردند.

بعد از امام جامعه، ائمه‌ی جمعه که به وسیله‌ی او برای هر منطقه‌ای تعیین می‌شوند قرار دارند، آنها در اخلاق و رفتار و عقل، شبیه‌ترین مردم به امامشان‌اند، آنها مجری فرامین و تدابیر الهی اویند و با اختیاری که از امام خود گرفته‌اند، تدبیرکننده‌ی امور کلان امت خود هستند، پس عقل‌های فردی و جمعی هر منطقه همه مطیع امام جمعه‌ی خود و تمام سازمان‌ها و ادارات شهری همه در مسیر یاری او و زیر نظر با کفایت او اداره می‌شود و دلها نیز همه سرشار از محبت اوست چرا که او مردی است خدائی و اطاعت از او اطاعت از امام است و عشق به او عشق به امام، و همه‌ی محلات و اهالیشان هر جمعه باید پای خطبه‌های او با امامشان تجدید میثاق کرده، خطشان را گرفته و یکبار دیگر وحدت و یکدلی را به نمایش بگذارند، که حضور پای خطبه‌های او حضور در بارگاه پروردگار و بندگی و خضوع در مقابل اوست، این است که همسنگ دو رکعت نماز می‌شود و مثل نماز، واجب.

در رتبه‌ی بعد از او، ائمه‌ی جماعات‌اند که امام جمعه آنها را به صلاحدید خود در بخش‌ها و قریه‌ها و محلات مختلف می‌گمارد تا فرامین و تدابیر او را در آن‌جاها اجرایی کرده و از اختیارات خود نیز برای تدبیر امور زندگی مردم بهره بجویند، آنها نیز بسیار به امام خود شبیه‌اند تا جایی که مؤمنین در او امام معصومان را می‌بینند، امور زندگی فردی و اجتماعیشان را با فرامین و نصایح او تنظیم می‌کنند، تلاش می‌کنند تا به رنگ او درآیند، نگاه به او آنها را به یاد خدا می‌اندازد و رفتار او آنها را به یاد قیامت، تمام نهادهای اداری محلی برای یاری او و زیر نظر او تدبیر می‌شود و در مقابل، او یار و غمخوار مردم است و کوچکترین امور امت آن محله از زیر نظر تیزبین او مخفی نمی‌ماند، او و امتش دائماً در تعامل با سایر محلات‌اند، و همه‌ی محلات، دل در گرو امام جمعه‌شان برای ساختن مدینه‌ای فاضله در مسیر بندگی و سعادت می‌کوشند.

این است نظام متعالی امام و امت که در آن وحدت و قانون‌مداری به اوج خود و اختلاف و نافرمانی‌های مدنی به کمترین میزان خود می‌رسد و جز در چنین نظامی این امر ممکن نخواهد شد و بشر روی سعادت را نخواهد دید چون قوه‌ی شهوت سرکش است و رام نکردن آن مایه‌ی تفرقه، نافرمانی و طغیان و در نتیجه، بی‌عدالتی و فساد؛ و با هیچ قانون و هیچ نظام خودساخته‌ی بشری نمی‌توان آن را به بند کشید و به فرمان عقل درآورد چون اولاً قانون بشر منهای وحی، همیشه یا دچار افراط است یا تفریط، و ثانیاً اگر قانون صوابی هم بود باز نمی‌توانست مدت زیادی در مقابل طغیان شهوت دوام بیاورد زیرا شهوت را جز با نیروی عشق و دلدادگی نمی‌توان مدت زیادی رام نگه داشت و این انسان را جز در نظامی که در آن قبل از قانون، محبت است که انسان‌ها را به بند می‌کشد، نمی‌توان از بند اسارت شهوت رهانید و نفرت‌ها و واژدگی‌ها از یکدیگر را جز در جامعه‌ای که همه‌ی دل‌ها به سمت یک مرکز رو کرده است، نمی‌توان به صفا و صمیمیت و اتحاد تبدیل کرد؛ بنابراین متعالی‌ترین نظام، و تنها سیستم کارآمد اداره‌ی بشر، همان نظام امت و امامت است.

که از همه اثرشان بیشتر است و در این بین آن کاری که از همه سخت‌تر است و دیگران کمتر به آن می‌پردازند را انتخاب کرده و همان را شغل اصلی خود قرار می‌دهد.

و اما طلبه‌ای که هدفش اقامه توحید در سرتاسر کره خاکی است نشان می‌دهد که شخصی آرمان خواه و به دور از تعصبات نژادی و قومی و ملی است و به اهداف بلندی می‌اندیشد و برای رسیدن به این اهداف بلند همتی بلند نیز دارد.

موانع رسیدن طلاب به سطح مطلوب انقلاب اسلامی چیست؟

اکنون که تا حدی روشن شد چه طلبه‌ای می‌خواهیم بسازیم وقت آن است که ببینیم چرا تا کنون حوزه‌های علمیه ما در این امر چندان موفق نبوده‌اند، در مباحثات مجمع اساسی‌ترین عواملی که مطرح شد چنین بود:

- 1- عدم توازن یا عدم تناسب محتوایی و روشی آموزش‌ها چه در بخش علوم و چه در بخش مهارت‌ها با هدف ساختن طلبه تراز انقلاب
- 2- عدم وجود برنامه‌ای منسجم و کارشناسی شده برای تربیت طلاب مخصوصاً در سه بخش عمده: الگودهی، روش‌های صحیح تربیتی و متصدیان متخصص و پای کار تربیت
- 3- ضعف برنامه‌ها برای بصیرت دهی و ایجاد روحیه انقلابی
- 4- ارتباط ضعیف حوزه و طلاب با بدنه جامعه
- 5- ضعف اساتید

راهکارهای تناسب بخشی و ایجاد توازن در نظام آموزشی

نظام آموزشی ما از این جهت با دو مشکل مواجه است: یکی عدم وجود بعضی دروس، مطالعات و آموزش‌های لازم و متناسب با نیازهای انقلاب و دیگری عدم توازن در همین برنامه موجود یعنی در کمیت و کیفیت پرداختن به آموزش‌ها اولویت‌ها بعضاً لحاظ نشده است علاوه بر اینکه از جهت زمانبندی و مقطع بندی تحصیلی نیز با مشکلات و نواقص جدی مواجه هستیم و اولویت‌ها و مراحل تحصیل در آن رعایت نشده است، مشکل دوم که فعلاً از اختیار ما خارج است اما نسبت به مشکل اول بحث و بررسی‌های مجمع

به نتایج عملی زیر دست یافته است که ان شاء الله در اولویت اول کاری ما و مورد پیگیری اکید قرار خواهد گرفت.

کمیوهای نظام فعلی را می توان در سه بخش عمده بررسی کرد:

الف: بستر یا بسترهای مورد نیاز برای رشد طلاب

با مراجعه به تعالیم اسلام و همچنین سنت هزارساله خود حوزه‌های علمیه به راحتی این مطلب آشکار می‌شود که بهترین بستری که در آن می‌توان با کمترین مؤونه و قوی‌ترین ضمانت‌ها به آموزش و تربیت انسان‌ها پرداخت بستری است که در آن رابطه استاد و شاگردی که نوعی رابطه ولایی است شکل بگیرد، نظام استاد و شاگردی نظامی است که از قدیم در حوزه‌ها یکی از مهم‌ترین مبانی تعلیم و تربیت طلبه محسوب می‌شد، نظامی که در آن استاد خود را در حقیقت مربی شاگردان خود می‌شمرد و خود را مکلف می‌دانست که با توجه به تمام نیازهای شاگردان، آنها را راهنمائی و مهم‌تر از آن، قدم به قدم همراهی کند و در مقابل، طلب نیز که چنین استادی را مثل پدری دلسوز و سایه‌ای بالای سر با میل می‌پذیرفتند، پیشرفت و کمال خود را در تکریم، تبعیت و انقیاد در مقابل او می‌دیدند و اتفاقاً همین رابطه طرفینی محکم‌ترین ضمانت اجرائی برای انجام وظایف از هر دو طرف بود. در چنین نظامی حتی تنبیه استاد برای طلبه شیرین است و آن را می‌پذیرد تا جائی که آن را نشانه توجه و ارادت استاد به خود نیز می‌داند بر خلاف نظام اداری که هر تنبیهی در آن بر لجاجت و تنفر شخص می‌افزاید و آن را مایه تحقیر خود می‌شمارد.

در تشکیلات استاد و شاگردی نه استاد سالاری است نه طلبه سالاری و نه قانون سالاری بلکه حوزه در این سیستم از دو نظام برخوردار است: نظام اول نظام تعلیم و تربیت است که بر اساس مبانی نظام ساده و بسیط امام و امت شکل گرفته و در آن فقط اصل ولایت‌پذیری است که حکم‌فرمائی می‌کند نه هیچ قانون و آئین نامه دست و پاگیری و آنچه که تعهدات و ضمانت‌های اجرائی را فراهم می‌کند همان رابطه ولایی است، در این نظام نزدیک‌ترین شخص به طلبه همان استادمربی است که به طور مستقیم و کاملاً ملموس با مربی خود مرتبط است بعد از او مدیر مدرسه است که از یک شأن بالاتر و مربی‌گری کلان‌تری برخوردار است و کل مجموعه او را سایه و تکیه‌گاهی برای خود می‌دانند و در سیاست‌ها و برنامه‌های کلی‌تر خود را با او هماهنگ می‌کنند، در سطح بالاتر امام جمعه شهر قرار دارد که تمام مدارس شهر سایه ولایی و هدایتگری او را با تمام وجود بر سر خود احساس کرده و هرگز خود را بی‌نیاز از او و امام خود را بی‌توجه به خود نمی‌بینند؛ نظام دوم نظام اداری است که دیگر نه مجال متورم شدن پیدا می‌کند و نه آنقدر خشک و بی‌روح به نظر می‌رسد چون این نظام به طور کامل در اختیار نظام ولایی تعلیم و تربیت قرار گرفته است تا به امور

آن انتظام بخشیده و نیازهای سازمانی آن را برطرف کند. در این جاست که سیستم و تشکیلات اداری بسیار کوچک شده و از یک گول دست و پاگیر به یک کمک کار برای امر تعلیم و تربیت تبدیل می شود. حال استادی که می خواهد امر خطیر استادی را به خوبی به سامان برساند به نظر می رسد که باید دارای حداقل ویژگی های ذیل باشد و یا با جدیت در صدد کسب آنها باشد و همراه با رشد شاگردانش، خود را نیز هر روز کامل تر کند:

- الگوی معنوی، اخلاقی و رفتاری مناسبی برای شاگردانش باشد.
- مهارت های تربیت و مربی گری را بداند.
- با انواع روش های مترقی آموزش و کلاس داری و راهکارهای انتقال مهارت های علمی آشنا باشد.
- دارای یک جامعیت علمی مناسبی باشد تا بتواند شاگردان خود را در تمام زمینه ها و با انواع استعدادها و انتظاراتی که دارند راهنمایی و همراهی کند.
- دارای فراغتی از بال که بتواند با تمرکز و اختصاص وقت لازم به امور مختلف شاگردان خود بپردازد.

- دارای روحیه انقلابی، مجاهدت و تلاش، اخلاص و پر شور و نشاط باشد.
- بنابراین ما اساتید کرمان به خواست خداوند متعال مهم ترین فعالیتی را که در راستای اهداف مجمع قصد انجام آن را داریم همین است که در این مسیر قدم گذاشته و هر روز جلوتر برویم و یقین داریم که همین یک کار بسیاری از مشکلات طلاب و حوزه ها را برطرف می کند.

ب: محتوای درسی و مطالعاتی مورد نیاز طلاب

طبق تعریفی که از طلبه مطلوب انقلاب گذشت در این بخش قاعدتاً هدف ما تربیت طلبه های اسلام شناس بصیری است که به توانائی امامت در جامعه اسلامی دست پیدا کنند؛ بنابراین علاوه بر تغییرات مهمی که باید در بخش دروس موجود حوزه اتفاق بیفتد، یکسری مطالعات نیز طلاب نیاز دارند که البته نمی توان آنها را جزء دروس قرار داد چون هم باعث تعدد بیش از اندازه دروس و تشتت می شود و هم معمولاً نیازی به کلاس ندارند و مهم تر اینکه هدف ما تربیت طلابی است که بدون اجبار و وابستگی و با مهارت هایی که کسب کرده اند بتوانند مسیر رشد را خودشان طی کنند اما در هر صورت حوزه باید برای این فعالیت های آزاد طلاب برنامه مدون داشته باشد تا اساتید بتوانند طبق آن به راهنمایی و تشویق طلاب به انجام آنها بپردازند بنابراین ما معتقدیم حوزه باید دو برنامه داشته باشد که البته هر دو کاملاً رسمی، حساب شده و زمان بندی شده و تحت نظارت باشد، یکی **برنامه درسی حضوری** و دیگری **برنامه درسی نیمه حضوری**، دسته اول نیاز به کلاس درس مستمر دارد اما دسته دوم عمدتاً توسط طلبه مطالعه می شود اما تحت نظارت استادمرئی

و با مشاوره او و اگر هم به جلسات معدودی از کلاس نیاز داشته باشد برای جمع بندی و پاسخ به سؤالات است.

رسیدن به یک نظام کامل در این بخش به تحقیق و بررسی و تجربه بسیار زیادی نیاز دارد، در بخش درسی از جنبه تغییرات محتوایی که فعلاً جز پیشنهاد و مطالبه از حوزه کاری از دست ما بر نمی آید، از جنبه روشی ان شاء الله در ادامه فعالیتها قطعاً به آن خواهیم پرداخت و اما در بخش مطالعات آنچه را که ما فعلاً نقطه‌ای برای شروع قرار خواهیم داد قطعاً است که در هر شرائطی در ضرورت آنها برای هر طلبه‌ای شکی وجود ندارد و بهترین موقعیت برای انجام آنها همین دوره سطح یک است که ما آنها را در یک برنامه 6 ساله اینچنین تدوین کردیم:

*** تسلط بر کل قرآن البتّه با دید کلی نگر یعنی لازم نیست در آغاز کار طلبه وارد جزئیات تفسیری قرآن شود بلکه هدف این است که او با طرح کلی قرآن و منطق فکری آن آشنا شود و برای نیل به این هدف لازم است بارها قرآن را همراه با درک مفاهیم ابتدائی آن تلاوت کند که در اینصورت آیات مرتبط کم کم یکدیگر را یافته و در کنار تکرارها و تأکیدات قرآن و تنوع بیانی آن، یک منطق و چارچوبه‌ای از تعالیم قرآن را در ذهن طلبه شکل می‌دهد و حتی بعد از مدتی آیات خود بخود بر زبان طلبه جاری می‌شود و همه اینها خود مقدمه‌ای می‌شود تا علاوه بر دستیابی به یک شاکله فکری قرآنی بعداً بتواند به دور از اعمال سلیقه‌ها تفسیر قرآن پسند خود را بر قرآن عرضه کند و بشود مفسر قرآن به قرآن؛ شرح این برنامه به این صورت است:**

اهداف کلان 6 ساله:

- مهمترین آنها نزدیک شدن به نظام فکری قرآنی از راه تسلط نسبی بر قرآن است
- درک نسبی طرح کلی قرآن و طرح کلی هر سوره همراه با تسلط بر بیان آن
- تسلط نسبتاً خوب بر فهم و بیان ادبی و تفسیری و ترجمه‌ی تمام آیات
- تسلط بر مهم‌ترین موضوعات قرآنی و سامان یافتن آیات مربوطه در ذهن طلبه
- دستیابی به یک زبان اجمالاً قرآنی به طوری که بتواند اغلب با آیات قرآن سخن بگوید و جواب

دهد

اهداف دو سال اول:

- انس اجمالی با خود آیات، تجزیه و ترکیب و ترجمه‌ی آنها و معانی لغات.
- آشنائی اجمالی با شأن نزول آیات.

- آشنائی ابتدائی با مفاهیم و تفسیر آیات

برنامه:

از روی کتاب «ذکر مبارک» یا «تذکار وحی» هر روز حتی روزهای تعطیل (به جز جمعه‌ها) و حتی در تابستان یک صفحه که معادل یک صفحه قرآن است را به این شکل کار کنند:

1- ترجمه‌ی لغات را ببینند و به آنها دقت کنند.

2- ابتدا سعی شود طلبه خودش آیات را ترجمه کند سپس ترجمه و تفسیر آیات را بخواند.

3- بتوانند سر کلاس آیات آن را ترجمه کرده و تفسیر آنها را بیان کنند.

4- صفحه‌ی مطالعه شده را مرتباً مرور کنند که اگر طبق قاعده و نظمی باشد بهتر است و

آلاً قاعده‌اش این باشد که همیشه یک قرآن جیبی همراه داشته باشد و هر خُرده وقتی که پیش آمد یا هر وقت که حال داشت به مرور صفحات مطالعه شده بپردازد به این صورت که آیات را بخواند به این هدف که بفهمد نه بخواند که قرائت کرده باشد.

اهداف دو سال دوم:

در پایان این دو سال همان مهارت‌های دو سال اول یک پله ارتقاء خواهد یافت به این معنا که:
- باید با تسلط بیشتری بتواند معانی لغات را بیان کرده و آیات را تجزیه و ترکیب، ترجمه و تفسیر کنند.

- باید طرح کلی هر سوره و مضامین کلی آن و بعضی مشخصات سوره را از حفظ بگویند.
- بتوانند جلسات یا کلاس‌های قرآن تشکیل داده و تفسیر قرآن بگویند و حتی در قالب آموزش ادبیات، شیوه‌ی ترجمه‌ی قرآن را یاد دهند.

برنامه:

به همان شیوه‌ی دو سال قبل، مطالعه‌ی قرآن ادامه پیدا می‌کند با این تفاوت که این بار با یک متن تفسیری کوتاه مثل تفسیر شبر یا مبین که محور کلاس قرار می‌گیرد، کار ادامه پیدا می‌کند اما در کنار آن با توجه به سرفصل‌های از قبل تعیین شده به فعالیت‌های زیر نیز پرداخته می‌شود:

1- علاوه بر مطالعه‌ی تفسیر سوره باید خودشان مضامین و موضوعات کلی سوره را استخراج کرده و به صورت درختواره نوشته و از حفظ بیان کنند، همچنین باید خلاصه‌ای از سیر مباحث سوره و مشخصاتی درباره‌ی آن را نیز در قالب کنفرانس مطرح کنند.

2- به تفسیر عمیق‌تر بعضی آیات منتخب پرداخته می‌شود.

3- علاوه بر اینها کار فقه اللغه نیز آغاز شده و باید درباره‌ی لغاتی که تعیین می‌شود کار پژوهشی

انجام دهند.

اهداف دو سال سوم:

در پایان این مرحله نیز توقع داریم یک پله‌ی دیگر همان توانائی‌های چهار سال قبل افزایش یابد و با تسلط نسبتاً خوبی به بیان تفسیر قرآن پردازد به طوری که فی البدایه هر جای قرآن را بتواند ترجمه و تفسیر کند و معانی لغات را به خوبی حفظ باشد.

برنامه:

باید مطالعه‌ی قرآن را به همان شیوه‌ی قبل انجام دهند اما این دفعه با تفسیر شریف المیزان و یا به صورت گزینشی در قالب پژوهش در تفاسیر و همچنین برگزاری کلاس و جلسات قرآنی با قوت بیشتری باید پیش رود در این مرحله علاوه بر مطالعه‌ی ترتیبی، طلبه باید با توجه به موضوعات انتخاب شده و با جمع آوری آیات مربوط به آن و بررسی آنها، دیدگاه قرآن را در آن موضوع تبیین کند.

*** تسلط بر روایات که برنامه آن را در چهار بخش تدوین نموده‌ایم:**

- بخش اول: مطالعه روایات که البته باز هم باید با دید کلی نگر انجام شود البته در کنار آن دقت و تعمق در بعض روایات منافاتی ندارد اما هدف ما این است که در مرحله اول طلبه حتماً یک دور احادیث را ببیند؛ در اینجا برنامه‌ای را که فعلاً پیگیری خواهیم کرد برگرفته از مقاله «برنامه مطالعاتی حدیث خوانی روشمند استاد سید محمد کاظم طباطبائی» است که با مقداری تصرف و تغییر به صورت ذیل درآمد:

سال اول:

نام کتاب	نام مؤلف و تاریخ او	توضیحات	دستور مطالعه	
1	الدرّة الباهره	منسوب به شهید اول- قرن 5	ترجمه عبدالهادی مسعودی - نشر زائر	تماماً مطالعه شود
2	تُحَفُّ العُقُول	ابن شعبه حرانی- قرن 4	چندین ترجمه دارد	فقط کلمات قصار از روایات امام کاظم ≡ تا آخر
3	منتخب میزان الحکمه	محمدی ری شهری- معاصر	ترجمه دارد	روایات کوتاه و آسان مطالعه شود
4	صفات الشیعه	شیخ صدوق- قرن 4	ترجمه دارد - کتابی کوچک و جذاب	تماماً مطالعه شود

سال دوم:

5	نهج البلاغه	سید رضی- قرن 4	سعی شود ترجمه‌ها با هم مقایسه شوند	فقط حکمت‌ها
---	-------------	----------------	------------------------------------	-------------

6	الخصال	شیخ صدوق-قرن 4	سعی شود ترجمه‌ها با هم مقایسه شوند	فقط بخش احادیث سه‌تایی و چهارتایی
7	روضة الواعظین	فتال نیشابوری-قرن 5	ترجمه دارد - کتاب بی‌سندی است اما مطالعه آن توصیه می‌شود	اجمالاً مطالعه شود
8	المحاسن	محمد بن خالد برقی-قرن 3	ترجمه یافت نشد	اجمالاً مطالعه شود
9	مشکاة الانوار	شیخ طبرسی-قرن 6	ترجمه آقای هوشمند توصیه می‌شود	مطالعه شود

سال سوّم:

10	تنبيه الخواطر	ورام بن ابی فراس-قرن 7	ترجمه دارد - کتاب اخلاقی است مشهور به مجموعه ورام	تماماً مطالعه شود
11	نهج البلاغه	سید رضی-قرن 4	توضیحات مقاله مذکور مطالعه شود حتماً	نامه‌های 69 (به‌حارث همدانی) و 31 (به امام حسن) و 53 (به مالک اشتر)
12	اصول کافی	محمد بن یعقوب کلینی-قرن 3		جلد 2 از هشت جلدی
13	من لا یحضره الفقیه	ابن بابویه-قرن 4	از کتب اربعه - شرح فارسی هم دارد	تورق شود

سال چهارم:

14	صحیفه سجّادیه	امام سجّاد علیه السلام	شرح سید علی خان مدنی در این زمینه مناسب است	سعی شود مضامین دعاها تا حدی فهم شوند
15	چهل حدیث	امام خمینی 7	فارسی است	مطالعه شود

سال پنجم:

16	کمال الدین و تمام النعمه	شیخ صدوق-قرن 4	در رابطه با امام زمان است - ترجمه دارد	اجمالاً مطالعه شود
17	کشف المحجّه	سید بن طاووس-قرن 7	دارای مباحث تربیتی - ترجمه دارد	اجمالاً مطالعه شود
18	نهج البلاغه	سید رضی-قرن 4	با کمی دقت در شروح و ترجمه‌ها	خطبه همّام، قاصعه و شقشقیّه

سال ششم:

19	بحار الانوار	علامه مجلسی-قرن 11	با نگاه به توضیحات مؤلف و حواشی علامه طباطبائی	جلدهای 5 تا 10-تورق شود
----	--------------	--------------------	--	-------------------------

20	الاربعون حديثاً	علامة شيخ بهائي - قرن 10	شيخ بهائي ذوق خوبی در تبیین احادیث داشته است	مطالعه شود
----	-----------------	-----------------------------	---	------------

- حفظ حدیث: کار مهم دیگری که ما بر آن تاکید داریم حفظ حدیث است که به نظر می‌رسد اگر طلاب طبق اصول ذیل عمل کنند به نتایج خوبی در این زمینه خواهند رسید:
 - 1- بهره برداری از پاره وقت‌ها: بخش عمده‌ای از اوقات انسانها را خُرده وقت‌هایی که در لابلای برنامه‌ها و یا اتفاقات پیش می‌آیند، تشکیل می‌دهند(مثل زمانهای رفت و آمد، صفهای خرید، در مسافرت و...) که اگر از آنها بهره برداری نشود به جدّ دچار خُسران بزرگی شده‌اند اما اگر طلاب با یک برنامه ریزی و تصمیم جدّی از بخشی از آنها در مسیر حفظ حدیث بهره ببرند بعد از مدّتی به طور ناباورانه‌ای خواهند دید مقدار زیادی حدیث حفظ شده‌اند.
 - 2- تهیه کارت‌های همراه: کارت‌های کوچکی را با مقوّاً درست کرده و یک طرف آن حدیث و طرف دیگر، در صورت لزوم ترجمه را نوشته و همیشه همراه خود داشته باشند و در هر پاره وقتی کارت‌ها را بیرون آورده و مشغول حفظ یا مرور حفظیات قبلی شوند.
 - 3- انتخاب احادیث: سه ملاک را ابتداءً در این زمینه مدّ نظر قرار دهند: یکی ذوق خودشان یعنی هر حدیثی که به مذاقشان خوش آمد آن را در دستور حفظ قرار دهند، دوم اینکه سعی کنید در آغاز کار احادیث کوتاه را انتخاب کنند و سوم اینکه از هر معصومی احادیثی در دستور حفظ قرار گیرد.
 - 4- استفاده از حفظیات: برنامه‌ای بریزند که در مدرسه یا مسجد محلّ یا در خانه و یا در هر جای دیگر که امکان دارد، بلافاصله بعد از هر نمازی یک حدیث کوتاه با صدای بلند برای دیگران بخوانند، این کار علاوه بر کمک به یادسپاری احادیث، بسیار برکت دارد.
- مطالعه ادعیه: برنامه مهم دیگری که در ذیل کار حدیثی باید به آن پرداخته شود بحث آشنائی با ادعیه و زیارات است که یکی از مهم‌ترین نیازمندی‌های فردی، تبلیغی و معرفتی طلاب به شمار میرود که برنامه 6 ساله پیشنهادی ما این است:

سال اوّل: کتاب مفاتیح نوین (آیت الله مکارم شیرازی) به صورت ذیل مطالعه شود تا اجمالاً با اعمال عبادی که یک مسلمان در طول سال و ماه و روز باید انجام دهد و با آنها انس داشته باشد آشنا شوید :

 - 1- مطالعه کامل فهرست
 - 2- مطالعه مقدّمه کتاب
 - 3- حفظ

دعاهای قرآنی

4- بعد از این کل کتاب تورق شده و هر کجا مؤلف توضیحاتی دارند خواننده شود مخصوصاً از بخش اعمال ماه‌ها به بعد که سرفصل و توضیحات هر عملی مطالعه شود و خود دعاها فقط تورق شود تا آخر کتاب.

از سال دوم به بعد وارد متن دعاها شده و یکی یکی آنها را با یک دقت مناسبی مطالعه می‌کنیم تا با مفاهیم و مضامین دعاها بیگانه نباشیم و هنگام قرائت آن دعاها بتوانیم با فهم معنای آنها یک حضور قلب حدّ اقلی پیدا کنیم به امید قبولی اعمالمان ان شاء الله.

سال دوم: 1- تعقیبات مشهور نمازها 2- زیارات هر روز ائمه A 3- دعای اللهم ارزقنا توفیق الطاعة 4- دعای اللهم بلغ 5- دعای عهد 6- زیارت عاشورا با دقت بیشتری 7- دعای توسل 8- دعای کمیل

سال سوم: 1- زیارت آل یاسین 2- زیارت امین الله 3- زیارات امام حسین ع در مناسبت‌های مختلف 4- مناجات امیر المؤمنین ع در مسجد کوفه 5- دعاها مشهور ماه رجب 6- صلوات شعبانیه 7- دعاها مشهور و کوتاه ماه مبارک رمضان

سال چهارم: 1- دعای سمات 2- دعای جوشن کبیر 3- مطالعه کتاب المراقبات آیت الله ملکی تبریزی یا تکرار مطالعه مفاتیح نوین به همان صورتی که در پایه اول گذشت.

سال پنجم: 1- دعای عرفه 2- زیارت جامعه کبیره 3- مناجات خمس عشر سال ششم: 1- ناجات شعبانیه 2- دعای ابو حمزه ثمالی 3- دعای مکارم الاخلاق 4- مناجات‌های مختلف امیر المؤمنین ع

سال هفتم به بعد: همین مسیر را ادامه داده و کم‌کم سایر ادعیه و سایر کتاب‌های ادعیه غیر از مفاتیح را ببینید، خلاصه سعی کنید همیشه با دعاها و مطالعه مضامین آنها مأنوس باشید چون اینها دریائی‌اند از معارف که هر چه از آنها برداشت کنید تمام شدنی نیستند.

• حفظ ادعیه: نکته دیگر حفظ بعضی از دعاها است که اگر طلبه ای آن را انجام دهد خواهد دید که چقدر مفید و پربرکت است، پیشنهاد ما در این زمینه به اینصورت است:

سال اول: 1- تعقیبات مشهور نمازها 2- دعاها وضو 3- دعای اللهم ارزقنا توفیق الطاعة 4- دعای اللهم بلغ

سال دوم: 1- سوره‌های کوچک جزء سی‌ام 2- دعای توسل

سال سوم: 1- یارات ائمه در ایام هفته 2- زیارت عاشورا

سال چهارم: 1- دعا‌های بعض اعمال روز مثل دعای سفره یا دعای ورود و خروج و... 2- زیارت آل یاسین

سال پنجم: 1- دعا‌های کوتاه و مهم دو ماه رجب و شعبان 2- دعای کمیل
سال ششم: 1- دعا‌های کوتاه و مهم ماه رمضان 2- دعای ندبه یا جامعه کبیره

*** مطالعه تاریخ** در سه بخش نقل و تحلیل و تطبیق باز هم با دید کلی نگر که به شدت برای دستیابی به یک نگاه بصیر و ژرف اندیش و آینده‌نگر مفید و ضروری است، مطالعه تاریخ قدرت تحلیل مسائل را بالا می‌برد، توان برنامه‌ریزی‌های کلان اجتماعی را ارتقاء می‌بخشد و صبر و تحمل انسان را در برابر ناملایمات مسیر رهبری جامعه افزایش می‌دهد؛ و اما مهم‌ترین بخش‌های تاریخ که مد نظر ماست:

الف: تاریخ اسلام از ظهور آن تا آغاز غیبت کبری.

ب: حوادث تاریخی نقل شده در قرآن.

ج: تاریخ تمدن اسلام به صورت تطبیق با تاریخ تمدن غرب.

د: تاریخ جریان‌های سیاسی جهان اسلام و ایران در سده‌های اخیر مخصوصاً مشروطه تا امروز.

*** مطالعه خط فکری اسلام شناسانی** مانند حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری و علامه مصباح و شهید مطهری و...

*** غرب شناسی و شرق شناسی** یعنی شناخت مبانی فکری آنها و تطبیق آن با مبانی و اصول اسلام،

شناخت اهداف سیاسی آنها در دنیا و شناخت طرح و برنامه آنها برای تسلط روز افزون بر دنیا.

*** شناخت حوزه و رسالت طلبگی** که برای آن این سیر مطالعاتی را پیشنهاد می‌دهیم:

1) احیای تفکر اسلامی (شهید مطهری (رحمة الله علیه))

2) طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن (مقام معظم رهبری (حفظه الله))

3) ولایت فقیه (حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه)) از اول تا ص 28 و از ص 126 تا ص 150

4) حوزه و روحانیت (آیت الله مصباح یزدی (حفظه الله)) بخش اول و دوم و سوم و هشتم.

5) راه و رسم طلبگی (استاد عالم زاده نوری) ج 2، تا ص 93

6) سیمای آرمانی طلبه از نگاه مقام معظم رهبری (استاد عالم زاده نوری) اول تا ص 56.

7) راه و رسم طلبگی (استاد عالم زاده نوری) ج 5، تا ص 68.

8) راه و رسم طلبگی (استاد عالم زاده نوری) ج 3، تا ص 57.

9) سیمای آرمانی طلبه از نگاه مقام معظم رهبری (استاد عالم زاده نوری) ص 56 تا آخر.

ج: مهارت‌ها و روش‌های مورد نیاز طلاب

این مهارت‌ها را به سه بخش تقسیم می‌کنیم:

- مهارت‌های زندگی:

از جمله شیوه برخورد با پدر و مادر یا همسر و فرزندان و یا شیوه حضور و رفت و آمد در بین اقوام، شیوه تعامل با مردم، راه و رسم خرج کردن و خرید و فروش و اقتصاد، دوست یابی و ارتباط با دوستان، شیوه مواجه شدن با استاد و مسئول و پیش کسوت و...

- مهارت‌های تحصیلی:

در یک تحصیل موفق، طلبه باید در کلاس درس به طور غیر مستقیم انواع مهارت‌های تحصیلی را تمرین کند، مهارت‌هایی مثل: تمرکز، گوش دادن، نکته برداری، تقریر نویسی، خلاصه نویسی، مطالعه مفید، مباحثه مؤثر، حفظ و یادسپاری، کتاب شناسی، منبع یابی، تحقیق، تفکر، حل مسئله و... ایجاد این مهارت‌ها در طلبه، سرعت آموزش را بالا می‌برد، آموزش را عمیق‌تر می‌کند، بسیاری از مشکلات درسی طلاب را برطرف می‌کند، طلبه را خودکفا، فعال و پُرانگیزه بار می‌آورد و مهم‌تر از همه این مهارت‌ها زیربنای روحیه تحقیق و پژوهش هستند.

- مهارت‌های تبلیغی:

امروز ما شاهد ضعف مهارت‌های اساسی تبلیغی در طلباب هستیم، مهارت‌هایی مانند: ارتباط گیری اخلاق محور و تأثیر گذار با مردم، تبلیغ چهره به چهره، روانشناسی و مشاوره، کلاس داری، فن بیان، مخاطب شناسی، مدیریت مسجد، مدیریت تشکیلات فرهنگی و...